

صاحبان رسالات موسیقی

نوشته: حسینعلی ملاح



۲۷ - ابن خردادبه

نامش : ابوالقاسم عبیدالله بن احمد بن خردادبه است - ابن خردادبه از يك خانواده زردشتی خراسانی برخاسته است ، نوشته اند که جد او (خردادبه یا خرزادبه) بدست برمکیان اسلام آورده است . خود او بسال ۲۱۱ هجری متولد شده و بسال ۳۰۰ هجری (مطابق با ۹۱۲ میلادی) بدرود زندگی گفته است . وی مدتی در بخش های غربی ایران که آن را بلاد الجبل می گفته اند صاحب برید و خبر، بوده و اداره امور راهها و پست و اطلاعات این نواحی را در اختیار داشته است . بسبب همین وظیفه بوده که کتاب معروف : المسالك والممالك را که یکی از مآخذ جغرافی نویسان اسلامی مانند ، ابن الفقیه ، و ابن حوقل ، و مقدسی و جیهانی و یاقوت و ابن خلدون بوده است نوشته است .

رسالاتی که درباره موسیقی نوشته است عبارتند از:

(طرب و آلات طرب)

۱ - اللهو و الملهی

رساله ایست کوچک در بیست و نه صفحه که از آن اطلاعات مفیدی درباره
مطالب زیر میتوان بدست آورد :

الف : سیم‌های بربط و تأثیر هر یک در طبایع آدمی

ب : سازهای متداول در عصر خسرو پرویز ساسانی

ج : هفت یا هشت دستگاه متداول در عصر ساسانیان و نام هر یک از آنها

د : شرح احوال باربد و توانائی و حذاقت وی در نوازندگی بربط

ه : اشعاریکی از ترانه‌های متداول در عصر خسرو پرویز

و : ماجرای سرکش یا (شركاس) و باربد ، و پایان زندگی آن دو

(نسخه از این رساله توسط آقای اغناطیوس عبده خلیفه، مدیر مجله المشرق

لبنان که از روحانیان دانشمند مسیحی و از پدران یسوعی است بچاپ رسیده است.

عین همین نسخه در شماره سوم سال سوم (پائیز ۱۳۴۰) مجله : الدراسات الادبیه

با مقدمه و حواشی عالمانه آقای دکتر محمد محمدی استاد دانشگاه تهران بچاپ

رسیده است ، که این بنده در همان سال آن را بفارسی برگردانده و با توضیحات

لازم در مجله موسیقی بچاپ رسانیده ام .)

۲ - کتاب آداب السماع

رساله ایست درباره آداب استماع موسیقی و چگونگی التذاذ از آن .

۳ - کتاب الندماء والجلساء (کتاب یاران یکرنگ و مجالس آنها)

مباحث این کتاب در حقیقت تذکره ایست از نوازندگان نامدار و شطرنج بازان مشهور .

۴ - کتاب طبقات المغنین : (گروه خوانندگان)

۵ - کتاب فی الملاهی : (درباره موسیقی) یا : سخنانی درباره موسیقی -

این کتاب پیش از خلافت المعتمد برشته تحریر درآمده است . ه . ج . فارمر

بنا بر قول مسعودی ، ابن خردادبه را از شاگردان اسحق موصلی نوشته است .

۲۸ - ابوبکر رازی

نامش : ابوبکر محمد بن زکریای رازی معروف به جالینوس العرب است

که بسال ۲۵۱ هجری متولد شده و بسال ۳۱۳ هجری درگذشته است .

رازی یکی از بزرگترین دانشمندان ایرانی است ، وی را بزرگترین

طبيب بالینی اسلام و قرون وسطی ، فیزیكدان ، عالم كیمیا (شیمی) و فیلسوف صاحب استقلال فكر میثناسند . فارمر مشهورترین اثر وی را درباره موسیقی «**كتاب فی جمل الموسیقی**» (مختصری درباره موسیقی) ثبت کرده است و نوشته است : «مؤلف در جوانی عود نواز بود ولی بعدها یکی از نامدارترین فیزیک دانهای جهان گردید و چون راز کیمیاگری (شیمی) را میدانست به رازی^۱ مشهور گشت .»

نکته قابل ذکر در اینجا اینستکه : ضمن آثار و تألیفات رازی اشاره ای به کتاب فی جمل الموسیقی نشده و همچنین درباره بر بطن نوازی این دانشمند نیز سخنی بمیان نیامده است . من نمیدانم «کولانکت» و دیگران در ژورنال آزیاتیک درباره رازی چه نوشته بوده اند که فارمر در دنباله مبحث رازی مینویسد: «بعقیده من مقاله «رسالة موسیقی و یک رساله آواز» *Traité de musique et un* *Traité de chant* که بقلم *Collangettes* در مجله آسیائی (ژورنال آزیاتیک) (ص ۳۸۲ سال ۱۹۰۴) چاپ شده است نادرست است ... ممکن است که این سهو، از نقل گفته منسوب به *De Slane* که در کاتالوگ MSS (اعراب) که در کتابخانه ملی پاریس بشماره ۳۸۶۵ مضبوط است و من آن را نیز نادرست تشخیص دادم مأخوذ شده باشد (سوسیته ژورنال آزیاتیک) (*JRAS*) (۱۹۲۶ ص ۹۱) - این مطلب مجدداً بوسیله: ژول روانه *Jules Rouanet* در آنس و کلوپدی موسیقی *لاوینیاک* (پاریس ۱۹۲۲ ص ۲۶۷۹) نقل شده است .»

در دایرة المعارف فارسی (دکتر مصاحب) هم ضمن آثار و تألیفات رازی اشاره ای به کتاب فی جمل الموسیقی نشده است .

۴۹ - قریص الجراحی (مشهور به المغنی)

وی بسال ۳۲۶ هجری مطابق با ۹۳۶ میلادی در گذشته است . مشهورترین اثر قریص الجراحی کتاب **صناعت الغنا و اخبار المغنین** است (هنر خوانندگی و احوال خوانندگان) - مؤلف الفهرست نوشته است :

۱ - ما ایرانیها رازی را اهل ری میدانیم و معتقدیم که کنیه این دانشمند از نام زادگاهش اقتباس شده است .

وی یکی از هوشمندترین و داناترین آموزگاران آواز بوده است . نکته جالب در مورد قریص الجراحی اینست که : وی برای ثبت الحان و نعمات از حروف استفاده کرده و قواعد و اصول این نوت نویسی یا صوت نگاری را در کتابی مدون کرده است که متأسفانه این کتاب ناتمام مانده و نسخه‌ای از آن در دسترس نیست.

۳۰ - جحظة البرمکی

نامش : ابوالحسن احمد بن جعفر بن موسی بن خالد بن برمکی است که بسال ۳۲۸ هجری مطابق با ۹۳۸ میلادی در گذشته است .

جحظة البرمکی علاوه بر اینکه در علم اللغت و صرف و نحو صاحب نظر بوده و رسالاتی نوشته است در نواختن تنبور نیز مقام شامخی داشته است تا آنجا که از طرف خلیفه المعتمد عباسی بجهت ظرافت در تنبور نوازی لقب «خیاگر» گرفته است خوبست گفته شود که لفظ «جحظه» در لغت بمعنای چشم برآمده است و چون این هنرمند دیدگانی چنین داشته است از طرف عبدالله ابن معتر عباسی به این کنیه نامیده و شناخته شده است^۱.

مشهورترین رسالات موسیقی جحظة البرمکی عبارتند از:

الف : کتاب الطنبوریین (تنبور نوازان)

ب : کتاب الندماء

ج : کتاب الترتنم^۲

۳۱ - ابو نصر فارابی

نامش : ابو نصر محمد بن محمد بن اترخان بن الفارابی است که بسال ۳۳۹ هجری مطابق با ۹۵۰ میلادی در گذشته است مشهورترین اثرش : «کتاب الموسیقی الکبیر» است .

۱ - در منابع موسیقی عرب ۳۲۸ ولی در معجم الادباء ۳۲۴ یا ۳۲۶ ثبت شده است.

۲ - این قسمتها از «وفیات الاعیان» (ابن خلکان) و معجم الادباء و تاریخ بغداد (خطیب بغدادی) استخراج شده است.

۳ - نام این رساله در منابع موسیقی عرب تألیف ه . ج - فارمر نیامده است .

این رساله مهم و قابل توجه که توسط نامدارترین فیلسوفان جهان تحت عنوان «الفارابیوس» به اروپائیان شناخته شده است یکی از معتبرترین رسالات موسیقی آن عصر است که در آن راجع به تئوری (یا نظری) موسیقی بحث بمیان آمده است .



ابنصر فارابی

موسیقی الکبیر از دو کتاب تشکیل شده است . در کتاب اول ، از مباحث ذیل سخن رفته است :

الف : مدخل (Introduction) که حکم مقدمه را دارد و مجموع آن متشکل از دو مقاله است . . . در این بخش از آراء فلاسفه درباره موسیقی گفتگو شده است .

ب : فن : که شامل دو گفتار است و مسائل ذیل در صحایف آن توجیه شده است : صوت - ابعاد (یا فواصل (Intervas) اجناس (Genres) - جموع (Systems) - آوازا (Modes) مقامها (Tones) - ایقاع (وزن یا ریتم (Rhythm) .

ج - در دومین قسمت از این بخش راجع به قواعد و اصول تألیف الحان یا آهنگسازی Composition of melodies بحث بمیان آمده است .

*** کتاب دوم که مشتمل بر چهار مقاله است مناسبانه بدست ما نرسیده است و کوشش و مجاهدت محققان و پژوهندگان نیز برای دست یافتن به آن بی ثمر

مانده است. چنانکه مؤلف، در مقدمه کتاب نخستین نوشته است: «در کتاب دوم نام علمای موسیقی و مقام و منزلت هر يك ثبت شده و آثار آنها تجزیه و تحلیل گشته و احتمالاً خطاها و سهوهای آنان اصلاح شده است.»

فارمر معتقد است که: فارابی در نوشتن کتاب الموسیقی الکبیر سخت تحت تأثیر آثار اریستوخنوس بوده است^۱

یکی دیگر از آثار منسوب به فارابی: «کتاب مدخل الموسیقی» (یا مقدمه بر تئوری موسیقی) است... گویانکه مطالب این کتاب در خلال آثار فارابی مکرر آمده و در حقیقت همان مطالبی است که در مقدمه کتاب الموسیقی الکبیر نوشته شده است ولی یگانه اهمیتش بر این است که بطور جداگانه تحریر و انتشار یافته است. اثر دیگر فارابی: «کتاب الایقاعات» است که در آن از وزنهای مختلف موسیقی گفتگو شده است این کتاب مشتمل است بر شرح همان نظریه‌هایی که فارابی در کتاب الموسیقی الکبیر خود بدانها اشاره کرده است - قسمتهای زیادی از این رساله در کتاب: «الکافی فی الموسیقی» تألیف «ابن زیله اصفهانی» نقل شده است. رساله دیگر فارابی: کتاب فی احصاء الایقاعات است، مؤلف در این رساله وزنهاى موسیقی را طبقه‌بندی کرده است. فارمر معتقد است که این کتاب از هر جهت شبیه کتاب الایقاعات است.

اثر دیگر فارابی: «کلام... فی النقل مضافاً الی الایقاعات» یا (سخن در باره چگونگی تغییر وزن موسیقی) است - باید گفته شود که آقای Steinschneider در کتاب خود موسوم به الفارابی (چاپ پترزبورگ سال ۱۸۶۹ صفحه ۲۱۶) بجای کلمه (فی النقل) کلمه (نقره) را نهاده است - همانطور که میدانید کلمه «ایقاعات» لفظ عامی است برای وزن موسیقی، و نقره (بر وزن کلمه) باجزای یک وزن اطلاق میشود، بنا بر این صورت کتابت دوم یعنی «کلام... فی نقره مضافاً الی الایقاعات» نیز میتواند درست باشد.

۱- ر. ک. به، تاریخ موسیقی عرب A. History of Arabian Music (لندن - ۱۹۱۳) تألیف: ه - ج - فارمر و همچنین، کتاب المجرّد الاغانی تألیف ابوالفرج اصفهانی و کتاب: الطبقات المغنّین تألیف: ابویوب المدینى.

اثر دیگری که به فارابی نسبت داده‌اند: «کتاب الشرح السماع» است - مؤلف در این رساله از اصول استماع موسیقی و تأثیر این هنر در روان آدمی گفتگو کرده است - عنوان این کتاب ترجمه تحت‌اللفظی و تلخیص شده کتاب «شرح السماع الطبایع» میباشد که بظن قریب‌بیتقین از کتاب Physica auscultatio اثر ارسطو اقتباس شده است .

کتاب دیگری که در سلسله آثار متعلق به فارابی نام برده شده است: «کتاب الحیال هندسیه» میباشد - این کتاب در زمینه علم مکانیک و بویژه نیروی ماشین‌های آبی نوشته شده است و به احتمال قوی: الجرجزی بدیع الزمان (وفات ۶۰۲ هجری) در تألیف کتاب خود موسوم به: کتاب فی معرفة الخیال الهندسیه - بنحوقابل ملاحظه‌ای از اثر فارابی بهره‌ها گرفته است . نگارنده این کتاب را ندیده است و نمیداند بچه مناسبت آقای فارماین اثر را جزو تألیفات موسیقی فارابی ثبت کرده است ؟

اثر دیگر فارابی: «احصاء العلوم» نام دارد - این کتاب راهنمای بسیار مفیدی برای طالبان علوم است ، بخشی از این کتاب به موسیقی اختصاص داده شده است .

در ذکر خدمات فارابی به دانش موسیقی می‌باید از موضوع پرده بندی تنبور خراسانی یاد کرد... بنا بر گفته این دانشمند: شکل، طول و حجم تنبور خراسانی در ممالک مختلف، متفاوت است، ولی همیشه دارای دو سیم هم قطر میباشد - برخی از پرده‌هایی که بردسته این ساز بسته میشوند جای ثابتی دارند این پرده‌ها عبارتند از:

- ۱ - پرده‌ای که در $\frac{1}{9}$ طول، بین مبدأ سیم و خرك ساز بسته میشود
 - ۲ - پرده‌ای که در $\frac{1}{4}$ طول سیم بسته میشود
 - ۳ - پرده‌ای که در $\frac{1}{3}$ طول سیم بسته میشود
 - ۴ - پرده‌ای که در $\frac{1}{2}$ طول سیم بسته میشود
 - ۵ - پرده‌ای که در $\frac{1}{9}$ طول، بین وسط سیم و خرك ساز بسته میشود
- فارابی سپس محل بستن سایر پرده‌ها را نیز تشریح کرده و به انواع كوك-

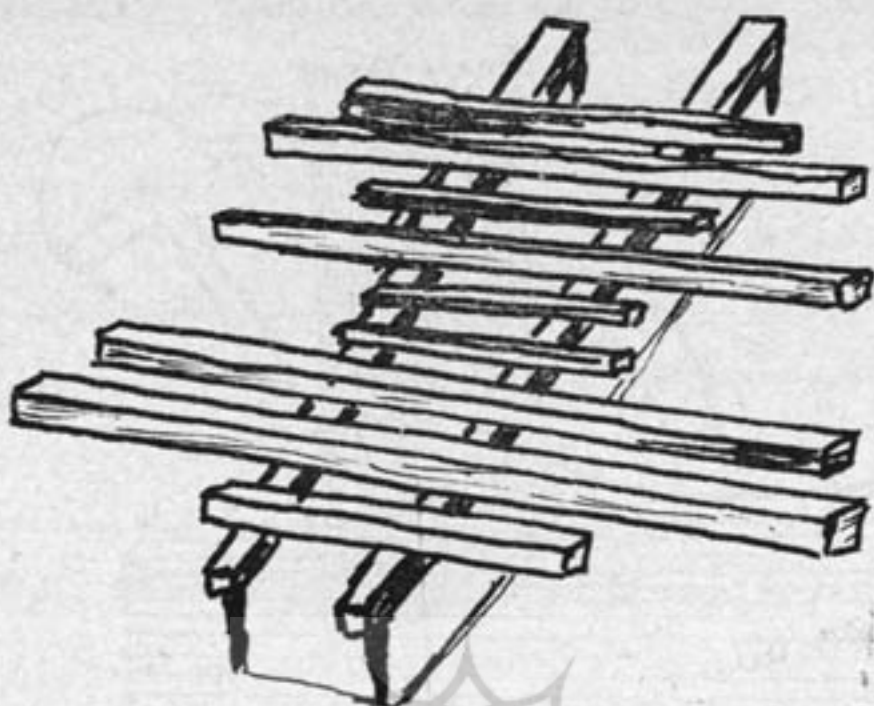
هائی که در این ساز متداول بوده است اشاره نموده است ... لازم است گفته شود که فارابی مخترع پرده بندی ساز تنبور نیست بلکه وضع موجود را که وارث سنت قدیمی بوده تشریح کرده است و اگر درجات گام فیثاغورث در پرده بندی این ساز دیده میشود ، دلیل آن نیست که از یونان بخراسان آمده باشد - چه در این صورت باید نخست از بغداد عبور کرده باشد - در حالیکه پرده بندی تنبور بغدادی با گام فیثاغورث کمترین ارتباطی ندارد^۱ .

بررسی کوشش های ابونصر فارابی در مورد پرده بندی تنبور خراسانی نشانه و مؤید احاطه و تسلط او به موسیقی علمی ایرانی و ممیّن اطلاعات علمی گرانقدری است - درباره تسلط او بر نواختن اغلب سازهای متداول زمان خود و همچنین آشنائی او به نواختن سازی غیر معمول داستانها گفته اند، از جمله ماجرای حضور او در مجلس سیف الدوله حمدانی است - مینویسند : «فارابی در این مجلس چند پاره چوب از کیسه ای بیرون آورد و آنها را برابر خود قرارداد و باد و چوب دیگر بر آنها نواخت ، نخست آهنگی زد که حاضران به گریه افتادند و آنگاه قطعه ای نواخت که همه به پایکوبی برخاستند و سرانجام آهنگی زد که جمگی بخواب رفتند ...» تاریخ نویسان این ساز را از مخترعات فارابی نوشته اند و نامی بر آن نتوانسته اند بگذارند .

این ساز در روزگار ما از نظر ساختمانی بکمال رسیده و نامش «سیلوفن Xylophone» است ... اما نوع ابتدائی آن در هر ناحیه ای از جهان نام ویژه ای دارد و شکل و جنس آن نیز گوناگون است ، مثلاً در سودان ، هم از چوب و نی ساخته میشود و هم از کدو ... ساختمان آن متشکل است از چند چوب یانی یا کدو (به اندازه های مختلف) که در کنار هم قرار میدهند . در ماداگاسکار ، کودکان تعدادی از این چوبها را روی پای خود می چینند و با ضربه وارد کردن به آنها نغماتی استخراج میکنند - در کامرون Cameronn به آن «سانزا Sanza» میگویند و نوع ابتدائی آن راسیتارمینامند - قدمت این ساز به پیش از عصر فارابی میرسد و جزو گروه سازهای بشمار می آید که در قدیم به آن طاسات و کاسات

۱ - دکتر برکشلی ، مجله موسیقی شماره ششم دوره سوم بهمن ۱۳۳۵

می گفتند و در چین و هندوایران قدیم معمول و متداول بوده است.



سیلوفن (حربی)

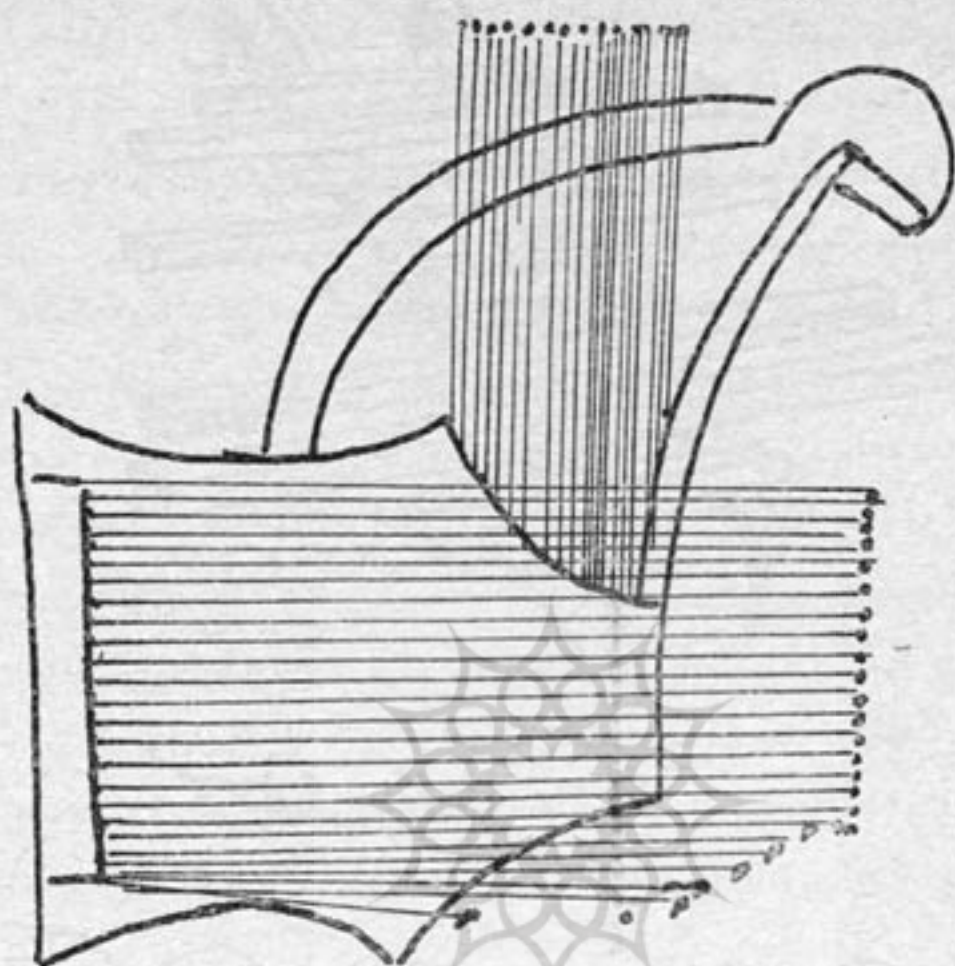


رتال جامع علوم انسانی
سیلوفن (لروی)

فارابی در اواخر عمر، نزد سیف الدوله حمدانی تقرب بسیاریافت و باوی به شام رفت و به سال ۳۳۹ هجری در دمشق در گذشت و چنانکه مینویسند: پادشاه شخصاً بر جنازه او حاضر شد و نماز گذاشت .

در کتاب الموسیقی الکبیر (نسخه مضبوط در کتابخانه ملی قاهره) نقشی از يك ساز موجود است که کاملاً تازه گی دارد - این ساز از ترکیب دوساز: چنگ و سنتور یا قانون ساخته شده و نامش شهرود میباشد - فارمر عکسی را که از روی

این نقش تهیه کرده است در کتاب منابع موسیقی عرب خود (ص ۲۸) چاپ کرده است و ما برگردان آن را در اینجا بنظر شما میرسانیم .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

۳۲ - علی بن هارون کتاب جامع علوم انسانی

نامش : ابوالحسن علی بن هارون بن علی بن یحیی بن ابی منصور المنجم است که بسال ۳۲۶ هجری مطابق با ۹۶۳ میلادی در گذشته است .
مشهورترین اثرش : « رساله فی الفرق بین ابراهیم بن المهدی و اسحق الموصلی فی الغناء » است این دو موسیقی دان نامدار (یعنی : ابراهیم بن المهدی و اسحق الموصلی) هر یک پیشوا و رهبر دو نوع موسیقی ، در عصر خود بوده است .
یکی رهبر مکتب رمانتیک ، و دیگری پیشوای مکتب کلاسیک باستانی بود .
علی بن هارون در کتاب خود اساس افکار و اندیشه های هر یک را تبیین کرده

وعلل مخالفت یکی را با دیگری توجیه کرده است .

۳۳ - ابوالفرج اصفهانی

نامش : ابوالفرج علی بن الحسین بن محمد بن احمد القریشی الاصفهانی
است که بسال ۳۵۶ هجری مطابق با ۹۶۷ میلادی در گذشته است .

مشهورترین اثرش : «الآغانی الکبیر» است - بنابر قول «ابن خلکان»
(وفات ۶۸۱ هجری) : تألیف این کتاب پنجاه سال بطول انجامیده است . -
آغانی الکبیر مجموعه ایست عظیم و معتبر از آوازهائی که میان اعراب از زمانهای
پیش از اسلام تا قرن چهارم هجری معمول بوده است - ابن خلدون (وفات ۸۰۸
هجری) تاریخ نویس نامدار عرب این کتاب را «دیوان العرب» نام نهاده است .
آغانی یک کتاب موسیقی نیست ولی در آن شرح احوال : خوانندگان ، شاعران ،
آهنگسازان ، نوازندگان و سازندگان آلات موسیقی نیز مضبوط است .

مؤلفات دیگری که «فارمر» منسوب به او دانسته است عبارتند از :

الف : کتاب المجرد الاغانی (که منحصراً درباره آوازهاست)

ب : رساله فی الاغانی

ج : کتاب الآداب السماع

د : کتاب فی الفهم (که ایضاً درباره آوازهاست و از قواعد و اصول مکتب

موسیقی باستانی عرب سخن رفته است) *سنائی و مطالعات فریبکی*

ه : اخبار المغنین الممالیک (که درباره کنیزان و غلامان خواننده است)

و : اخبار المغنین (که شرح احوال آواز خوانهای نامدار است)

ز : اخبار القیان (که شرح احوال زنان خواننده است) .

ح : کتاب القیان (این نیز تذکره ایست از زنان خواننده)

ط : کتاب الغلمان المغنین (که شرح احوال پسران زیباروی آواز خوان

است) .

ابوالفرج ، در اصفهان بدنیآ آمد و سپس به بغداد رفت و به تحصیل حدیث
و روایت و اشعار و انساب پرداخت ... وی از رعایت سیف الدوله حمدانی و صاحب
ابن عباد و مهلبی برخوردار بود .

۳۴ - خوارزمی

نامش: ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف الخوارزمی است که بسال ۳۷۰ هجری مطابق با ۹۸۰ میلادی در گذشته است .

مشهورترین اثرش : « کتاب مفاتیح العلوم » است - این کتاب نخستین دایرةالمعارف هنر و ادب عرب است که در باب هفتم آن (ازمقاله دوم) رساله ایست درباره موسیقی .

این رساله سه فصل دارد که فصل اول آن : درباره اسامی آلات موسیقی و چگونگی ساختمان آنهاست .

فصل دوم : کلیاتی است درباره موسیقی و آنچه حکما در رسالات مختلف ذکر کرده اند .

فصل سوم : درباره وزن های متداول و معمولی موسیقی است ^۱ .
خوارزمی در مقدمه این کتاب نوشته است : « این کتاب را مفاتیح العلوم نام نهادم ، برای آنکه مدخل دانش است و برای بیشتر دانشها حکم کلید است . »

۳۵ - ابن الندیم

نامش : ابوالفرج محمد بن اسحق بن ابی یعقوب بن الندیم است که بسال ۳۸۵ هجری مطابق با ۹۹۵ میلادی در گذشته است .

ابن الندیم موسیقی دان نبوده ولی اهمیتش از لحاظ تاریخ موسیقی ، فهاری است که در کتاب معتبر « الفهرست » راجع به منابع موسیقی و ادبیات و هنر عرب بدست داده است .

کتاب الفهرست اثر معتبر و عظیمی است که همیشه در کتابخانه های مهم و

۱ - این رساله بسال ۱۳۴۶ توسط آقای حسین خدیو جم بفارسی ترجمه شده و در شماره دوم از دوره هفدهم (اردیبهشت سال ۱۳۴۶) مجله سخن چاپ شده است - تاریخ وفات خوارزمی در این ترجمه ۳۸۷ هجری ثبت شده است - لازم است تذکار شود که مفاتیح العلوم در سال ۱۹۲۲ توسط: ویدمن E. Wiedemann به آلمانی ترجمه شده و بسال ۱۹۵۹ توسط ه - ج - فارمر Farmer به انگلیسی برگردان شده است .

بوژه در کتابخانه خلفا نگاهداری میشده است ... دو نسخه بدل از این اثر موجود است که تاریخ کتابت هر دوی آنها ۳۷۷ هجری است ... این کتاب مشتمل است بر سه قسمت که هر سه قسمت آن از لحاظ فهارس آثار موسیقی و ادب عرب جالب و معتبر میباشد - در قسمت سوم «فن» از مقاله سوم «مقاله» ، عناوین بسیاری از کتابهای ادبی و هنری و نام موسیقی دانهای نامدار و سرشناس ثبت شده است - در بخش اول و دوم از مقاله هفتم ، عناوین تعدادی از کتابهای موسیقی به انضمام کتابهایی که از یونانی ترجمه شده است ذکر گردیده است^۱ .

۴۶ - ابوالوفاء البوزجانی

نامش ، محمد بن محمد بن یحیی بن اسمعیل البوزجانی^۲ است که بسال ۳۸۷ هجری مطابق با ۹۹۷ میلادی در گذشته است .

اثر او در زمینه موسیقی : «مختصر فی فن الايقاع» نام دارد که چنانکه از نامش مستفاد میشود رساله کوچکی است درباره وزن شناسی موسیقی .

بنابر اعتقاد الاکفانی (وفات ۷۴۹ هجری) داین رساله یکی از معتبرترین رسالات آن عصر است . اکفانی نام این رساله را در کتاب خود «مقاله فی الايقاع» ثبت کرده است .

ابوالوفاء یکی از نامدارترین ریاضی دانهای عصر خود بوده است .

۳۷ - ابن طرخان

نامش : ابوالحسن علی بن حسن بن طرخان است که در قرن چهارم هجری

مطابق با قرن دهم میلادی میزیسته است . مشهورترین اثر او راجع بموسیقی : کتاب اخبار المغنیین الطنبوریین است (شرح احوال خوانندگان و تنبور نوازان)

۱ - مقاله هفتم الفهرست بسال ۱۸۹۲ توسط H.Suter به آلمانی ترجمه شده و مقالات سوم و هفتم بسال ۱۹۶۱ توسط ه - ج - فارمر به انگلیسی برگردان شده است

۲ - لآبورده J . B. de Laborde در اثر خود تحت عنوان Essai sur la musique کتبه ابوالوفاء را جوزجانی ثبت کرده و «روانته Rouanet» نیز در صفحه ۲۶۸۰ انسیکلوپدی موسیقی لآوینیچاک عیناً جوزجانی نقل کرده است .

درباره کلمه «طرخان» باید گفته شود که : در دوره مغول به آغاجی یا آغجی، طرخان می‌گفتند. آغاجی یا آغجی عنوان منصب خاصی در دستگاه سلاطین و امرای ماوراءالنهر و خراسان بوده ، و صاحب آن واسطه‌ی بین سلطان و رعیت بوده است و بی واسطه و میانجی و بی التزام به رعایت نوبت و رخصت ، نزد سلطان بارمیافته و در بعضی موارد (چنانکه از فحوای تاریخ بیهقی و راحة الصدور برمیآید) عنوان حاجب و پرده‌دار را داشته است . طرخان در دوره مغول مخصوصاً این مزیت را داشت که از پرداخت بعضی یا تمام عوارض دیوانی معاف بود . شاید بتوان گفت که ابن طرخان بسبب داشتن چنین منصبی به این لقب مشهور گشته است .

۳۸ - اخوان الصفا

در اواسط قرن چهارم هجری انجمنی مخفی در بصره و بغداد تشکیل شد ؛ اعضای این انجمن جمعی از علما و دانشمندان بزرگ اسلام بودند (از ایرانیان) نام این جمعیت «اخوان الصفا» بود و مرام اصلی یا اساسنامه آنها این بود که می‌گفتند : دیانت اسلام به خرافات و اوهام آمیخته شده است و برای پاک کردن دین از آلودگیهای ضلالت انگیز جز فلسفه راهی نیست و شریعت عربی آنگاه بکمال میرسد که با فلسفه یونانی (و ایرانی) در آمیزد و مقصود ما همین است که دین را با فلسفه موافقت داده و شریعت حقه را از آرایش اوهام و خرافات شستشو دهیم تا پایدار بماند و مورد قبول عقلا و دانشمندان ملل قرار بگیرد ... نظر دیگر که در آغاز رسائل تصریح کرده اند عبارت از اینست که : فلسفه چون از زبانی بزبان دیگر آمده حقایق ، نامفهوم و پیچیده گشته و تحریفات در آن راه یافته است ، ما میخواهیم مقاصد اصلی فلاسفه را پوست باز کرده بیان کنیم تا درخور فهم گردد.

اعضای انجمن که در انواع علوم و فنون عصر خود ، و همچنین در معارف مذهبی و تاریخ ملل و شرایع و ادیان دست داشتند گرد هم آمدند و راجع بمسائل عقلی و دینی و اجتماعی رسالاتی نوشتند . در میان این رسالات آنهایی که پس از تبادل نظر و خوض بسیار مورد قبول همه اعضا واقع میشد بعنوان نمونه‌ئی از افکار انجمن اخوان الصفا تکثیر و تنشیر میگردد . این نوشته‌ها مجموعاً پنجاه و یک

رساله است که به رسائل اخوان الصفا معروف است .

پنجاه مقاله از این رسالات هر يك مربوط یکی از فنون طبیعی و ریاضی و الهی و مسائل عقلی و اجتماعی و غیره است در مقاله پنجاه و یکمین : همان مسائل به ایجاز و اختصار نوشته شده است .

مؤلفان رسایل نام خود را آشکار نمی‌ساختند ، اما در نشر افکار و عقاید خویشتن سعی بودند و مقالات آنها بمدت حدود يك قرن در سراسر بلاد و ممالک اسلامی انتشار یافت ... کسانی که با فلسفه سروکار داشتند مخصوصاً معتزلیها در نشر این رسائل همت گماشتند و هر کجا میرفتند پنهانی نسخه‌ای از آن رسایل را همراه می‌بردند ... نخستین کسی که رسائل اخوان الصفا را به بلاد اندلس (اسپانیا و پرتغال امروز) برد ابوالحکم عمرو بن عبدالرحمن کرمانی بود - آندلسیها چون نخستین بار این مقالات را از ابوالحکم شنیدند پنداشتند که مؤلف اصل رسائل خود اوست ولی چنانکه «ابوحیان توحیدی» میگوید : صاحبان رسالات اخوان الصفا این کسان بوده اند :

ابوسلیمان محمد بن معشر بستی معروف به مقدسی - ابوالحسن علی بن هارون زنجانی - ابواحمد مهرجانی - عوفی - وزید بن رفاعه^۱

فارمر نوشته است : «چهاردهمین رساله از رسالات اخوان الصفا راجع بموسیقی است که از مباحث ذیل در آن سخن رفته است :

نظریاتی درباره موسیقی - تئوری اصوات - فواصل مطبوع - فواصل نامطبوع - ابعاد - تأثیر موسیقی در طبایع آدمی - بنیاد الحان موسیقی - آلات موسیقی - ادوار موسیقی - عناصر اولیه - طنزها و غیره ... و همچنین : آشنائی با موسیقی - انتقال - تأثیر نغمه‌ها (یا صداها) - و عقاید حکما درباره موسیقی ... باید گفته شود که

۱ - فارمر نیز نام چهار نفر را ذکر کرده و از وزید بن رفاعه سخنی بمیان نیاورده است - مؤلف معجم المطبوعات نام چهارمین کس را چنین نوشته است ، وزید بن رفاعه العوفی - نکته سزاوار تذکار اینست که : مصنفان این رسائل نام خود را از مردم مکتوم میداشتند و بهمین سبب اسامی واقعی صاحبان این رسائل بر همه آشکار نیست .

در اواخر قرن چهارم هجری مطابق با قرن دهم میلادی رسالات دیگری بر این مجموعه مضاف شده است .

یکی دیگر از ناشران رسائل اخوان الصفا ابو مسلم ابن احمد المجریطی است که بسال ۳۹۸ هجری (مطابق با ۱۰۰۷ میلادی) در مادرید بدنیاً آمده است - برخی معتقد هستند که رساله موسیقی مندرج در رسائل اخوان الصفا توسط المجریطی نوشته شده است عنوان این مقاله بقراری که فارمر ثبت کرده است چنین است : رساله الاربعه من القسم الاول من الرياضيات والموسيقى من رسائل اخوان الصفا، للعارف المجریطی^۱

رساله فوق الاشارة واجد ابواب زیر است :

- ۱ - فی ان اصل صناعة الموسيقى للحکماء
- ۲ - فی كيفية ادراك القوة السامعه للاصوات
- ۳ - فی امتزاج الاصوات وتناظرها
- ۴ - فی تأثير الامزجه بالاصوات
- ۵ - فی اصول الالحان وقوانينها
- ۶ - فی كيفية صناعة الآلات واصلاحها
- ۷ - فی ان الحركات الافلاك نغمات كنغمات العیدان
- ۸ - فی ان احكام الكلام صنعة من الصنائع
- ۹ - فی تناسب الاعضاء علی اصول الموسيقى
- ۱۰ - فی حقيقة نغمات الافلاك
- ۱۱ - فی ذكر المربعات
- ۱۲ - فی الانتقال من طبقات الالحان
- ۱۳ - فی نوادر الفلاسفة فی الموسيقى
- ۱۴ - فی تلون تأثيرات الانغام

۱ - این نسخه چندین بار بچاپ رسیده است، یکبار بسال ۱۸۸۷ در بمبئی و یکبار هم در همین سال در قاهره بچاپ رسیده است - ترجمه آلمانی آن توسط Dieterici بسال ۱۸۶۵ در برلن بچاپ رسیده است .

يك نسخه خطی از رسائل اخوان الصفا تحت عنوان : مجمل الحکمه در کتابخانه ملی تهران موجود است^۱ این رساله بفارسی است و مترجم آن فقط به این اکتفا کرده که نوشته است : «... در زمان تیمور گورکان، این ضعیف آن کتاب را پیاری دری نقل کند...»

ابواب مجمل الحکمه بقرار زیر است :

۱ - فصل فی ان اصل صناعة الموسيقى للحکما

الف : چگونگی استخراج صدا - ب - نعمات - ج - الحان - د - ایقاع

۲ - فصل فی کیفیت صناعة الآلات واصلاحها

اکنون محض اینکه با چگونگی مطالب رسائل اخوان الصفا آشنا شویم

چند سطر از فصل نخستین مجمل الحکمه را (که ترجمه رساله موسیقی رسائل اخوان الصفاست) در اینجا نقل می کنیم .

«... یکی را کوفتن خوانند و آن از صدمه دو جسم بود چون سنگ و دست، و جسم ها که بر یکدیگر بازافتند چون ناخن و دف، و زخم و رباب، و هر چه بدین ماند - دوم سبوختی هوا باشد، از چیزی مجوف چون : شش حیوانات را و نای و نی و بوق و سرنا و آنچه بدین ماند^۲...»*

دنباله دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

۱ - این نسخه بشماره ۲۱۲۲/ف در کتابخانه ملی تهران مضبوط است.

۲ - صفحه ۶۷ - سطر هفتم.

* کلمه انونیموس به نسخه یا رساله ای اطلاق می شود که نویسنده اش مجهول است . متأسفانه از روی نا آگاهی این لفظ به عنوان شخص صاحب رسالتی در شماره ۱۱۸-۲۱۹ معرفی شده است که بدینوسیله باپوزش بسیار اصلاح میگردد.